

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ فبروری ۲۰۲۱

آگاهی و مبارزه طبقاتی، ناقوس مرگ نئولیبرالیسم!

۱

شنبه - ۲۵ دلو ۱۳۹۹ - کابل: از جمله مهمترین خبر های امروز که گویا باعث غافلگیری رسانه ها نیز شده است، حرکت آشتی جویانه "ارگ" و "ولسی جرگه" بعد از حدود یک ماه کشمکش و رسوا ساختن یک دیگر، در تعیین بودجه سال ۱۴۰۰ بود. در یادداشت کنونی تلاش خواهم نمود تا مختصراً دلیل این سازش آبی بین دویازوی نیروهای اشغالگر را به بحث بگیرم، باشد سرآغازی گردد برای ادامه و تعمیق این بحث:

۱- این که رسانه ها اعلام می دارند که سازش ناگهانی و آشتی طلبی از هر دو جانب آنها را غافلگیر ساخته دلیل آن را نمی دانند، فکر نمی کنم درست باشد و آنها واقعاً غافلگیر شده باشند، چه در یک حاکمیت دست نشانده که تمام ارگانهای آن از آبشخور واحد اشغالگران آب می خورند، واضح است که تقابل و سازش دو روی یک سکه است که از جانب اشغالگران بالا انداخته می شود، در چنین حالتی ارگانهای متعدد حاکمیت ناگزیر است به دستور بادر حرکتش را تنظیم نماید، اگر بادر اشغالگر دستور به لجن پراکنی علیه یک دیگر داد آنها موظف اند دامن یک دیگر را چنان بالا نمایند، که نشیمنگاه شان نیز نمایان شود، هرگاه دستور به سازش و توقف لجن پراکنی بدهد، باز هم دو طرف ناگزیر اند، لیلی و مجنون یک دیگر گردیده، چنان به معاشقه و معانقه بپردازند که چیزی کمتر از یک روح در دو جسد نباشند.

علی رغم چنین شناختی از ماهیت حاکمیت دست نشانده درکل، وقتی رسانه ها ادعای غافلگیری می نمایند، رک و پوست کنده باید گفت: یا ضریب مغز شان پائینتر از یک انسان معمولی است و یا هم دروغ می گویند.

۲- این که "غنی احمدزی" از همان نخستین روز های به وجود آمدن ترکیب کنونی "ولسی جرگه" علم مخالفت علیه آن را برافراشت و تا توانست از پذیرش و رسمیت دادن به آن خودداری ورزید، و این که بعد از دستور اربابان مبنی بر پذیرش همین ترکیب، باز هم کوشید با ایجاد رخنه در بین اعضای "ولسی جرگه" حین انتخاب رئیس و بقیه هیأت رئیسه نفاق بیفکند، بر هیچ کسی پوشیده نیست. یعنی در کل می شود انتظار داشت که آب قوه اجراییه در رأس آن "غنی احمدزی" و قوه مقننه در رأس آن "میر رحمان رحمانی" به یک جوی روان نشود، اما این که دور جدید درگیری بین آنها تا چه میزان برخاسته از علائق شخصی و نفرت ذات البینی بین خودشان بوده و یا این که کسانی خواسته اند در مقطع حساس کنونی که "غنی احمدزی" سخت زیر فشار رقبای قدرتش به خصوص طیف های مختلف "اسلام سیاسی"

قرار دارد و بادرانش نیز گاهگاهی با ذکر شعار های تخریش کننده علیه "غنی احمدزی" دهن باز می کنند، مثلاً سفارت امریکا و ادعای مبارزه علیه فساد اداری، "غنی احمدزی" را به وسیله "ولسی جرگه" رسوا نموده، پایه های قدرتش را هر چه بیشتر تضعیف نمایند، مشخص نیست.

یعنی تقابل کنونی بین "ارگ" و "ولسی جرگه" به همان اندازه که می تواند ناشی از تضاد های درونی بین دو قوه و اختلاف سلیقه بین افراد آن باشد، به همان اندازه می تواند برخاسته از تحریکات مخالفان داخلی و خارجی "غنی احمدزی" جهت رام ساختن خودش و فریب مردم افغانستان با نمایش مفترض "۱۸ قسم گوشت" نیز باشد.

۳- آغاز دور جدید مناقشه و جنگ زرگری بین قوه اجرائیه و قوه مقننه در حاکمیت دست نشانده، هر چند ظاهراً با بحث روی بودجه سال ۱۴۰۰ آغاز یافت، مگر مقدمات آن مدتها قبل از رسیدن مسوده بودجه به "ولسی جرگه" به وسیله دو طرف جنگ آغاز و ادامه داشت.

همه به خاطر داریم که "غنی احمدزی" چگونه با مهارت قادر شد ضمن آن که خودش را اندکی کنار کشید، حمله نخست را به وسیله اخوان بچه جاسوس "امرا لله صالح" که گویا معاون اولش است، در یک کنفرانس بین المللی آغاز نمود، "ولسی جرگه" هنوز قادر نشده بود خود را از آن ضربت بیرون کشد که باز هم "غنی احمدزی" به وسیله همسرش که هیچ مقام و منصب رسمی و قانونی حتا بر اساس قانون اساسی ساخته اشغالگران نیز ندارد، حمله اش را بر "ولسی جرگه" ادامه داده، امیدوار بود که به کمک رسانه ها و افشاگری علیه باند های جنایت پیشه جمع شده در "ولسی جرگه" آنها را چنان به "نوک ناوه" بکشاند که دیگر جرأت صدا بلند کردن برای شان نماند و به هر دلی که از جانب قوه اجرائیه زده شود، "ولسی جرگه" متناسب با آهنگ و آوای دهل بر قصد.

ادامه دارد